

Abstract

In this century, and especially in the last three decades, the creation of free commercial and industrial zones and the creation of a legal protective atmosphere governing them have been proposed as one of the practical policies of governments, especially in developing countries. The said policy in countries with hydrocarbon resources and its downstream industries has often led to the creation of energy hubs in these areas. The most important prerequisite for the creation of such regions is the special attention of the trustees and statesmen, firstly, to the special legal regime governing these regions, and in particular, in order to establish their effective connection with foreign markets, attention and emphasis on international legal systems, which is the most important prerequisite for attracting and attracting foreign investors. Therefore, perhaps the most important responsibility of the organizations in charge of free commercial and industrial zones of the country is to manage the recognition and use of international legal rules, principles and systems in an effective manner, so as to efficiently manage the commercial and industrial activities and processes of the said zones with natural and legal entities. Foreign is possible. General international law and its sub-branches, including international investment law, international trade law, international economic law, international oil and gas law, international law of the seas, law governing the settlement of international disputes, etc., as the most important means of knowing and The management of commercial and economic relations of domestic managers and businessmen with investors and international partners is discussed

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین المللی حوزه نفت و گاز و تاثیرات آن بر فرآیند توسعه مناطق آزاد تجاری با تاکید بر فرآیند توسعه بخش انرژی در منطقه آزاد تجاری قشم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰

منصور عطاشنه^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

علی نجابت^۲

سید باقر میرعباسی^۳

چکیده

در قرن حاضر، و بطور خاص در سه دهه اخیر ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی و ایجاد اتمسفر حمایتی حقوقی حاکم بر آنها به عنوان یکی از سیاست‌های کاربردی دولتها خصوصا در کشورهای در حال توسعه مطرح گردیده است. سیاست مزبور در کشورهای دارنده منابع هیدروکربوری و صنایع پایین دستی آن غالباً به ایجاد هاب^۴ های انرژی در این مناطق انجامیده است. مهم ترین پیش نیاز ایجاد چنین مناطقی توجه خاص متولیان و دولتمردان اولاً به رژیم حقوقی خاص حاکم بر این مناطق و به طور خاص جهت ارتباط موثر آنها با بازارهای خارجی، توجه و تاکید بر نظامات حقوقی بین المللی است که مهم ترین پیش نیاز جهت جلب و جذب سرمایه گذاران خارجی محسوب می گردد، لذا شاید مهمترین مسئولیت سازمان های متولی مناطق آزاد تجاری و صنعتی کشور مدیریت شناخت و بهره گیری از قواعد، اصول و نظامات حقوقی بین المللی به نحو موثر است تا از آن طریق مدیریت کارآمد فعالیتها و فرایندهای تجاری و صنعتی مناطق مزبور با اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی امکان پذیر گردد. حقوق بین الملل عمومی و زیرشاخه های آن اعم از حقوق بین الملل سرمایه گذاری، حقوق تجارت بین الملل، حقوق بین الملل اقتصادی، حقوق بین الملل نفت و گاز، حقوق بین الملل دریاها، حقوق ناظر بر حل و فصل اختلافات بین المللی و ... ، به عنوان مهم ترین ابزار شناخت و مدیریت روابط تجاری، صنعتی و اقتصادی مدیران و تجار داخلی با سرمایه گذاران و شرکا

^۱استاد گروه حقوق بین الملل واحد قشم دانشگاه آزاد اسلامی قشم/ایران

^۲دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی

^۳استاد گروه حقوق بین الملل واحد قشم دانشگاه آزاد اسلامی قشم/ایران

بین‌المللی مطرح می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر پرداختن به یکی از مهم‌ترین نیازهای توسعه مناطق تجاری و صنعتی آزاد که مدیریت حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی در این مناطق است می‌باشد که تاکنون در سازمان‌های متولی اینگونه مناطق بدان پرداخته نشده است و در طول پژوهش آسیب‌های ناشی از این بی‌توجهی، فواید و آثار توجه به آن و نهایتاً تأثیرات آن بر فرایند توسعه و تکامل مناطق مزبور مورد بحث و کارآمدی موثر آن در جذب و استمرار سرمایه‌گذاری خارجی تشریح می‌گردد و بطور خاص منطقه ویژه‌ی تجاری جزیره قشم/ایران که به عنوان هاب انرژی خاصه در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی، تامین سوخت، پالایش و پخش مواد نفتی و صنایع پایین دستی مربوطه در برنامه‌های توسعه مطرح می‌باشد با تأکید بر نقش موثر قراردادهای نفتی و گازی در منطقه مزبور بصورت خاص مورد واکاوی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: مناطق آزاد تجاری، حقوق بین‌الملل، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، قراردادهای بین‌المللی حوزه نفت و گاز

مقدمه

ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ایران بیش از سه دهه پیش بطور موثر در فرایند توسعه صنعتی و اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفت. گرچه قبل از آن و از سال ۱۳۳۱ لزوم ایجاد چنین مناطقی از سوی دولت وقت مورد تأمل قرار گرفته بود^۱. اما به لحاظ فقدان پیش‌نیازها و زیربنای لازم امکان ایجاد چنین مناطقی هیچگاه به نحو موثر و عملی در دستور کار قرار نگرفت. مناطق آزاد تجاری و صنعتی در هر کشوراصولاً به مناطق خاصی اطلاق می‌گردد که به لحاظ عدم شمول برخی مقررات کشور متبوع و همچنین وجود مزیت‌های خاص قانونی خاصه در بخش تجارت، سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های داخلی و بین‌المللی با دیگر مراکز تجاری و صنعتی متفاوت بوده و دارای رژیم حقوقی و مقرراتی تاحدودی متفاوت با مناطق غیر آزاد در حقوق بین‌الملل شناسایی می‌گردد. گرچه اینگونه مناطق در هر صورت به عنوان بخشی از خاک سرزمین متبوع خود محسوب گردیده و تابع قانون حاکم ملی آن می‌باشند، اما از دیدگاه تجاری و صنعتی اشخاص تابع حقوق بین‌الملل مناطق آزاد مزبور را متفاوت با مناطق غیرآزاد در کشور تلقی نموده و به لحاظ تسامح و آزادی بیشتری که دولت‌ها برای استفاده از امکانات اینگونه مناطق خاصه برای تجار و سرمایه‌گذاران بین‌المللی قائل شده‌اند، فعالیت تجاری در این مناطق را بیشتر دارای جنسی بین‌المللی تلقی می‌نمایند. لذا مناطق آزاد تجاری در کشورهایی که امکان جذب به تجارت بین‌المللی و بازارهای آزاد خارجی داشته‌اند بیش از آنکه محل تجمع تجار داخلی آن کشور باشد محلی برای حضور موثر شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی بوده است. حضور اشخاص یا شرکت‌های خارجی به عنوان حضور یک شخص حقیقی و حقوقی خارجی در هرگونه قرارداد منعقد در اینگونه مناطق محسوب می‌گردد و این حضور یک قرارداد تجاری داخلی را به یک

^۱ ر.ک: مجموع مذاکرات، مجلس شورای ملی، مناطق آزاد تجاری، گمرکات و بنادر

قرارداد بین‌المللی مبدل می‌سازد. بدیهی است هر قرارداد بین‌المللی که دارای حداقل یک عنصر خارجی باشد اعم از آنکه قانون حاکم بر آن قانون ملی و داخلی کشور متبوع باشد و یا در صورت انعقاد قرارداد بین دولت‌ها به هر نحو تابع حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد و لزوماً دارای سازکاری جهت حل و فصل اختلافات قراردادی است که همین سازوکار یکی از دلایل و عوامل بسیار مهم در جذب و جلب سرمایه‌گذار خارجی یا فرار آن محسوب می‌گردد. لذا لازم است تا بطور خاص در مناطق آزاد تجاری و صنعتی که در ماهیت امر با هدف جلب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی با مجوز خود دولت و نظام حاکم از شمول بسیاری قوانین و مقررات ملی معاف گردیده است با توجه به موضوع بسیار مهم چگونگی حل و فصل اختلافات احتمالی ناشی از تعاملات تجاری و اقتصادی بین‌المللی در این مناطق نیز به اعتمادسازی و تامین فضای حسن نیت و آرامش قراردادها اهتمام ورزد. جهت تعمیق بحث لازم است تا عناوین ذیل در محدوده مجال پژوهش بطور خلاصه مورد واکاوی قرارگیرد:

۱-پیشینه/تعریف

۲-مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران

۳-رابطه مناطق آزاد تجاری با حقوق بین‌الملل و قراردادهای بین‌المللی

۴-نقش سازمان مناطق آزاد تجاری در مدیریت مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات قراردادهای بین‌المللی در این مناطق

۵-ابزارهای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی

۶-مکانیزم ایفای نقش سازمان مناطق آزاد تجاری و صنعتی در فرایند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی مناطق مزبور

۷-بررسی آسیب‌های ناشی از عدم ایفای نقش و سپس فواید توجه و متولی‌گری سازمان در فرایند اختلافات

۸-بررسی و راستی‌آزمایی نتایج بحث بطور خاص در منطقه آزاد قشم/ایران

۱-پیشینه / تعریف

۱-۱- تعریف:

منطقه آزاد تجاری صنعتی محدوده‌ای احصاء و حراست شده بندری یا غیربندری است که با مجوز دولت حاکم از برخی قوانین و مقررات جاری کشور متبوع خارج گردیده است. منطقه آزاد تجاری با تجویز حاکمیت و بر اساس قوانین خاص با بهره‌گیری از تساهل تجاری و اقتصادی اعم از معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرگی، حذف تشریفات دست و پا گیر اداری و ارزی، تسریع در فرایندهای

صادرات و واردات با هدف جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری و مشارکت‌های بین‌المللی به توسعه اقتصادی، تجاری و صنعتی کشور متبوع کمک می‌نماید.^۱

۱-۲- پیشینه در حقوق بین‌الملل عمومی :

پس از جنگ جهانی دوم و در طول بیش از یک دهه پس از آن بسیاری از کشورها اعم از کشورهای صنعتی آن زمان یا کشورهای در حال توسعه از نظر اقتصادی در وضعیت بحرانی شدیدی قرار گرفتند. راهکار کشورهای مزبور پیروی موثر از سیاست‌های بازار آزاد و به طور خاص به عنوان یک هدف استراتژیک توسعه صادرات تلقی می‌گردید. از این رو سازمان‌های بین‌المللی از جمله بخش متولی توسعه صنعتی سازمان ملل متحد طرح‌هایی را مبتنی بر گسترش و توسعه تجارت خارجی کشورها ارائه نمودند که در قالب طرح‌ها و پیشنهادات مزبور ایجاد و راه اندازی مناطق آزاد تجاری نیز پیش‌بینی گردیده بود.^۲ ارائه طرح‌های فوق از سوی نظریه پردازان سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل را شاید بتوان مبتنی بر نظریه اقتصاددان مشهور آدام اسمیت^۳ محسوب داشت که به صراحت اظهار می‌داشت: «کشورها با تولید کالاهایی که در تولید آن تخصص دارند و دریافت کالاهایی که در تولید آن تخصص ندارند به ایجاد نوعی ثبات و تعادل تجاری، اقتصادی در جهان کمک می‌نمایند و این امور از طریق روش‌های موثری چون راه‌اندازی مناطق آزاد تجاری و صنعتی میسر می‌گردد». سازمان توسعه و تجارت سازمان ملل متحد اهداف سه گانه کلی را برای مناطق آزاد تجاری کشورها بیان داشته است که عبارت‌اند از گسترش همکاری‌های تجاری کشورها در ابعاد بین‌المللی، کسب درآمد ارزی برای کشورها و ایجاد رونق اقتصادی و شرایط تجارت بین‌المللی در مناطقی که شرایط لازم را جهت تجارت داشته اما دچار محرومیت‌های اقتصادی می‌باشند.

۲- مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ایران:

تفکر ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی در ایران از سال‌های ۱۳۳۰ و تا یک دهه پس از آن با هدف ایجاد رونق اقتصادی کشور و افزایش سطح تجارت خارجی بنادر ایرانی در خلیج فارس توسط دولت وقت آغاز گردید که به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لازم در قالب نظریه توسعه بنادر و گمرکات تا سال ۱۳۳۶ ادامه یافت اما منتج به ایجاد هیچ منطقه آزاد تجاری نگردید. در سال ۱۳۳۵ با توجه به اعتراضات تجار و بازرگانان در گمرکات بندرعباس و درخواست ایجاد مناطق آزاد از سوی ایشان، مدیر کل گمرکات ایران پس از بازدید از منطقه آزاد تجاری دبی^۴ که به مبادله وسیع کالاهای ایرانی با سایر نقاط جهان و بالعکس پرداخته بود پس از تشکیل وزارت گمرکات و انحصارات در سال ۱۳۳۶ رسماً آمادگی دولت را جهت تاسیس اولین بندر آزاد تجاری اعلام می‌دارد و در همان سال بندرعباس بندر آزاد تجاری اعلام می‌گردد. در اواخر دهه ۴۰ شمسی

^۱ بولتن شماره ۱ سازمان مناطق آزاد تجاری-شورای عالی مناطق آزاد

^۲ رجوع شود به مجموعه اسناد مذاکرات کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد، ۲۰ دسامبر ۱۹۶۴-ژنو

^۳ Adam Smith

^۴ Dubai

دولت وقت از کنفرانس بین‌المللی تجارت و توسعه سازمان ملل^۱ درخواست می‌نماید تا تحقیقاتی سفارشی را در خصوص ایجاد مناطق و بنادر آزاد تجاری در ایران به انجام رساند. تحقیقات مزبور در سال ۱۳۵۰ پایان می‌یابد و در پی آن جزیره کیش تحت مدیریت سازمان عمران کیش جهت آغاز فرایند تبدیل جزیره مزبور به منطقه آزاد تجاری پیشنهاد گردیده و سپس در سال ۱۳۵۸ لایحه واردات کالا از جزیره کیش با استفاده از معافیت‌های گمرکی به تصویب شورای انقلاب می‌رسد و نهایتاً در سال ۱۳۶۸ بر اساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه به دولت اجازه داده می‌شود تا در سه نقطه مرزی کشور شامل جزیره قشم، جزیره کیش و چابهار اقدام به تاسیس و اداره مناطق آزاد تجاری/ صنعتی نماید. قانون چگونگی تاسیس و اداره مناطق آزاد تجاری در ۷ شهریور ۱۳۷۲ به تأیید مجلس شورای اسلامی^۲ و در تاریخ ۲۱ شهریور همان سال مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. هم‌اکنون در آغاز سال ۱۴۰۰ شمسی مهمترین مناطق آزاد کشور جمهوری اسلامی ایران عبارتند از مناطق آزاد کیش، قشم، ارس، چابهار، اروند، انزلی و ماکو. گرچه ایجاد مراکز دیگری نیز در قالب آخرین برنامه‌های توسعه در دستور کار قرار گرفته است.

چنانچه در گفتار پیشین اشاره گردید هدف اصلی دولت‌ها چه در زمان حاکمیت نظام شاهنشاهی و چه پس از آن و در برنامه‌های توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران از ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی سازماندهی مناطق مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، رونق اقتصادی به سبب تعامل با بازارهای بین‌المللی و جذب درآمدهای ناشی از تعاملات تجار داخلی و شرکت‌ها و تجار و سرمایه‌گذاران بین‌المللی بوده است که این مهم در زوایای مختلف طرح و تصویب قانون چگونگی تاسیس و اداره مناطق آزاد تجاری ایران مصوب ۲۱/۶/۷۲ ملاحظه می‌گردد اما چنانکه در واقع امر قابل مشاهده است طرح ایجاد این مناطق اولاً به سبب ایجاد، استقرار و سپس تشدید تحریم‌های بین‌المللی و سپس عدم تجربه کافی مدیریتی در ایجاد چنین مناطقی و همچنین عدم استقبال هم از سوی تجار و سرمایه‌گذاران خارجی و بین‌المللی و هم شرکت‌ها و تجار صاحب نام ایرانی در هیچ یک از مناطق ۷گانه ایجاد شده اهداف پیش‌بینی شده به نحو رضایت بخشی جامه عمل نپوشیده است همچنین دولت‌ها مناطق مزبور را پس از معرفی به عنوان مناطق آزاد به عنوان مناطقی خودگردان!! محسوب داشته و در جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی حمایت‌های لازم از این مناطق را به عمل نیاورده‌اند، لذا علیرغم توفیقات اقتصادی کلانی که بسیاری از کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه^۳ از ایجاد مناطق آزاد تجاری تحصیل نموده‌اند، ایران هنوز درخصوص امکان اداره خود این مناطق از درآمدهای حاصله نیز سردرگم بوده و هنوز برای آن‌ها از بودجه‌های دولتی هزینه می‌کند و همچنین ایجاد مناطق مزبور تغییر شگرفی نیز در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور و حتی نحوه زیست و زندگی سکنه این مناطق را نیز باعث نگردیده‌اند گرچه وجود مناطق آزاد مزبور شرایط بهتری نسبت به زمان فقدان آن‌ها را رقم می‌زند که امری طبیعی و توقعی حداقلی محسوب می‌گردد.

^۱ Untctad-United Nations Conference on Trade and Development

^۲ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مجموعه قوانین، ۱۳۶۸-۱۳۷۲

^۳ جهت مطالعه بیشتر بطور مثال منطقه آزاد تجاری دبی، جبل علی، هند، کانادا، فیلیپین، باتان مورد مطالعه قرارگیرد.

چنانکه گفته شد مطابق با تعريف کنفرانس بين المللی تجارت و توسعه سازمان ملل متحد ۲۰ دسامبر ۱۹۶۴ و همچنين قانون تاسيس و اداره مناطق آزاد تجاري ايران مصوب ۲۱ / ۶ / ۷۲ هدف اصلي دولت‌ها از جمله دولت جمهوری اسلامی ايران از تاسيس مناطق آزاد تجاري و صنعتی ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت تعامل موثر کشور متبوع منطقه آزاد با ديگر کشورها اعم از تعاملات فی مابین دولت‌ها یا اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی است و تجارت داخلی به عنوان امری مقدماتی جهت تجارت خارجی و توسعه صادرات در این مناطق محسوب می‌گردد لذا آنچه مسلم است در این مناطق به طور طبیعی دولت، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی به تعامل موثر با حداقل یک شریک یا طرف قرارداد خارجی می‌پردازند در نظام حقوقی ايران چنانچه در قراردادی حداقل یک عنصر خارجی مداخله داشته باشد قرارداد مزبور یک قرارداد بين المللی شناخته می‌شود و چنانچه اشخاص و تابعین حقوق بين الملل (دولت‌ها) در قراردادهای مزبور حضور یابند در صورت عدم وجود قرار دیگری بین آن‌ها و عدم حکومت قانون ملی مورد توافق آن‌ها تابع حقوق بين الملل عمومی محسوب خواهند شد. لذا چنانچه بخواهیم مناطق آزاد تجاري / صنعتی را در تعريف صحیح خود فرص نمائیم که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه تجارت خارجی است بیش از آنکه هسته مدیریت مرکزی آن را درگیر در مباحث علمی و کاربردی در حقوق خصوصی و ملی بدانیم باید هسته مزبور را نیازمند فهم ترم‌های علمی و کاربردی حقوق بين الملل و شاخه‌های بسیار متنوع آن از جمله حقوق تجارت بين الملل، حقوق سرمایه گذاری بين الملل، حقوق بين الملل اقتصادی، حقوق بين الملل نفت و گاز، حقوق بين الملل مناطق آزاد تجاري، بنادر و حقوق بين الملل دریاها و دهها شاخه دیگر که هر کدام به نحوی منشعب از حقوق بين الملل عمومی محسوب می‌گردند و همچنین ترم‌های علمی مربوط به حقوق فراملی^۱ یا حقوق عرفی بازرگانی فراملی^۲ که به عبارتی نه حقوق بين الملل عمومی هستند و نه در چارچوب حقوق خصوصی می‌گنجد دانست. از سویی دیگر مسلم است که در قراردادهایی که یک عنصر خارجی در آن دخیل می‌گردد غالباً ساز و کار و مکانیزم بسیار مهم حل و فصل اختلافات پیش بینی می‌گردد که چنانچه قراردادهای مزبور بین دولت‌ها منعقد گردد تابع حقوق بين الملل عمومی و چنانچه دولت و اشخاص خصوصی طرف قرارداد واقع گردند تمایل به ساز و کارهای پیش بینی شده در حقوق بين المللی چون داوری بين المللی بوجود می‌آید که می‌تواند مرجعی غیر ملی و ثالث باشد لذا نیازمند رجوع به حقوق داوری بين المللی خواهیم بود. مستند این ادعا میل شدید سرمایه گذاران و تجار بين المللی معتبر به خارج ساختن قراردادها و یا حداقل مکانیزم حل اختلاف آنها از زیر یوغ قانون ملی کشور متبوع مناطق آزاد تجاري می‌باشد.

با توجه به واقعیات مسلم پیش گفته هسته سازمان‌های مرکزی و مدیریتی متولی مناطق مورد بحث همچون مناطق آزاد تجاري در کشورهای توسعه یافته یا درحال توسعه بدو نیازمند یک ساختار سازی علمی و همچنین کاربردی مدیریتی / کنترلی / حمایتی بر پایه شناخت عمیق از قواعد، مقررات، نظامات و عرف‌های حقوق بين المللی (غیر ملی) و فراملی بوده و خواهند بود که در عناوین کلی ذیل می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد:

^۱ جنیدی، لعیا. نظریه حقوق فراملی بازرگانی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰

^۲ حاذق‌پور، رضی،، غلامی یزدی، حمیدرضا. جایگاه حقوق عرفی بازرگانی فراملی، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۹،

۳-۱- حقوق بین‌المللی معاهدات در خصوص معاهدات یا قراردادهای بین‌المللی که ممکن است فی‌مابین دولت متبوع منطقه آزاد با دیگر دولت‌ها صورت پذیرد.

۳-۲- حقوق قراردادهای بین‌المللی در خصوص قراردادهای بین‌المللی که ممکن است فی‌مابین سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی که در جایگاه تصدی‌گری قرار می‌گیرند با دولت‌ها، شرکت‌های ملی، شرکت‌های چند ملیتی، شرکت‌های خصوصی خارجی یا اشخاص خارجی منعقد گردد.

۳-۳- حقوق قراردادهای بین‌المللی در خصوص قراردادهایی که ممکن است فی‌مابین اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی ایرانی با اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی خصوصی خارجی منعقد گردد.

۳-۴- حقوق تجارت بین‌المللی، حقوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری، حقوق بین‌المللی اقتصادی، حقوق بین‌المللی دریاهای و بسیاری دیگر از رشته‌های مرتبط با حقوق بین‌الملل که هسته مرکزی مناطق آزاد تجاری باید بر آنها تسلط داشته باشند.

۳-۵- حقوق مربوط به نحوه حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی اعم از مکانیزم‌های قضائی حل و فصل اختلافات یا مکانیزم‌های شبه قضائی چون داوری بین‌المللی و یا مکانیزم‌های دوستانه حل و فصل اختلافات که درک صحیح آنها بیشتر در قالب حقوق بین‌الملل عمومی ممکن است تا حقوق خصوصی.

آنچه مسلم است سازمان‌های متولی ایجاد و اداره مناطق آزاد تجاری یا خود را صرفاً متولی ایجاد زیرساخت‌های^۱ فیزیکی این مناطق محسوب می‌دارند که در آن صورت تا جایگاه یک پیمانکار عمومی^۲ تنزل شان یافته‌اند و یا خود را متولی تنظیم^۳، مدیریت، کنترل و حمایت از روابط و تعاملات تجاری و بازرگانی بازیگران داخلی و خارجی در این مناطق محسوب می‌دارند که لازم است موارد یاد شده ۴ گانه فوق (و نه محدود به آن) را درک نموده و به طور موثر بکار گیرند، که متأسفانه آنچه در واقع امر خصوصاً در مناطق آزاد تجاری ایران ملاحظه می‌گردد نه تنها ایفاء نقش موثری از سوی سازمان‌های مزبور در خصوص مسئولیت‌های کنترلی، حمایتی و تنظیمی و مدیریتی روابط تجاری مشاهده نمی‌گردد بلکه حتی احساس نیاز به آن نیز آنچنان مطرح نبوده و نمی‌باشد. مستند این نظر فقدان هرگونه ساختار سازی موثر و کارآمد سازمانی در این خصوص در مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران می‌باشد.

۴- نقش سازمان مناطق آزاد تجاری در مدیریت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی این مناطق:

^۱ Facility

^۲ General Contractor

^۳ Regulatory

مطابق با تعریف قانونی به عمل آمده از منطقه آزاد تجاری در قانون مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی که اساساً برگرفته از تعریف بعمل آمده از این مناطق در کنفرانس ۲۰ دسامبر ۱۹۶۶ توسعه تجاری صنعتی سازمان ملل و همچنین تعریف نهایی بانک جهانی از مناطق آزاد تجاری^۱ به عمل آمده و نهایتاً توسط سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد^۲ تکمیل گردیده است، هر منطقه آزاد تجاری/صنعتی الزاماً تحت مدیریت و متولی‌گری سازمان مرکزی (عمران و توسعه منطقه آزاد) که از سوی دولت محلی تعیین شده ایجاد و اداره می‌گردد. گرچه سازمان مزبور در برخی مسئولیت‌ها می‌تواند در نقش تصدی‌گری عمل نماید اما هدف اصلی از ایجاد این سازمان‌ها بیشتر ایفاء نقش حاکمیتی در تنظیم، هدایت، حمایت و کنترل روابط تجاری است که در این مناطق با محوریت قراردادهای بین‌المللی صورت می‌پذیرد. لذا یکی از مسئولیت‌های اصلی این سازمان‌ها که مسئولیت نظارتی بر قراردادهای منعقد مزبور مرتبط با تعاملات تجاری بین‌المللی در حیطه این مناطق است که مهم‌ترین رکن اینگونه قراردادهای منعقد مزبور مرتبط با تعاملات تجاری بین‌المللی در دوستانه اختلافاتی است که ممکن است در قراردادهای یاد شده ایجاد گردد. این مسئولیت مهم در ملاحظه و تایید قراردادهای بین‌المللی منعقد، نظارت و کنترل بر حسن اجرای آنها و حمایت بی‌طرفانه از حقوق مکتسبه قراردادی طرفین آنها اعم از داخلی یا خارجی، دولتی یا خصوصی قابل مطالعه می‌باشد که سازمان منطقه آزاد تجاری باید نقش حداقلی خود را به عنوان متولی حل و فصل اختلافات قراردادهای بین‌المللی منعقد در این مناطق بدو از طریق مسالمت‌آمیز محافظت نماید که به نظر نگارنده این مهم از یک نقش فراتر است و باید به آن نوعی حق اطلاق نمود که متأسفانه به لحاظ عدم توجه به نقش یا حق مزبور (که هم برای دولت متبوع منطقه آزاد و هم حتی برای سازمان منطقه آزاد به واقع وجود دارد) دعاوی و اختلافات متعدد حل نشده یا قراردادهای عقیم مانده متعدد و یا پروژه‌ها و طرح‌های به شدت به تأخیر افتاده خاصه در قراردادهای پراهمیت بین‌المللی از جمله آسیب‌های جبران‌ناپذیری است که در محدوده تعاملات تجاری و اقتصادی در جریان، در این مناطق بطور خاص در ایران مشاهده می‌گردد.

۴- ابزارها و روش‌های پیش روی مناطق آزاد تجاری جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی:

در گفتار پیشین ضرورت ایفاء نقش سازمان‌های متولی احداث و اداره مناطق آزاد تجاری در جهت انجام مسئولیت‌های نظارتی، حمایتی و کنترلی که ریشه در جنبه حاکمیتی سازمان‌های مزبور دارد و در شکل عملیاتی آن به صورت نظارت بر انعقاد قراردادهای بین‌المللی مربوط به این مناطق و همچنین ایفاء نقش موثران‌ها در فرآیند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی مزبور در حد مجال تحقیق توضیح داده شد. لذا در ادامه به ابزارها و روش‌هایی که در غالب مناطق آزاد تجاری و صنعتی خاصه در کشورهای توسعه یافته از آنها جهت ایفاء مسئولیت یادشده بهره برداری می‌گردد پرداخته خواهد شد. در این باب توجه به این نکته ضروری است که گرچه روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف هم در نظام‌های حقوقی

^۱ ر.ک: بیانیه ژوئن ۱۹۹۱ بانک جهانی در خصوص مناطق آزاد تجاری «منطقه یا قلمرو معینی است غالباً در محدوده یک بندر یا در مجاورت آن که در آن تجارت آزاد در شکل بین‌المللی آن مجاز شناخته شده و تحت مدیریت و نظارت و حمایت سازمان دولتی احداث و اداره می‌گردد. این مناطق دارای تسهیلاتی جهت جاب سرمایه‌گذاری خارجی و مشوق‌های خاص می‌باشد.

^۲ UNIDO- United Nation Industrial Development Organization

ملی و هم در حقوق بین‌الملل عمومی کاربرد یافته و تعریف گردیده است، اما آنچه مسلم است با توجه به موضوع پژوهش حاضر که بیشتر بر قراردادهای بین‌المللی منعقد در مناطق آزاد تجاری تاکید دارد جهت تعریف و پیشینه‌یابی روش‌های مزبور ناگزیر باید به ابعاد نظری موضوع در حقوق بین‌الملل عمومی رجوع نمود زیرا روش‌های مورد بحث را اصولاً حقوق بین‌الملل عمومی بصورت جدی تئوریزه نموده، به رسمیت شناخته و در اسناد بین‌المللی تثبیت و تشریح نموده است و گذر بحث از این منابع نظری امری ناممکن تلقی می‌گردد. از سوئی دیگر سازمان‌های متولی مناطق آزاد نیز جهت فراگیری روش‌های حل مسالمت آمیز اختلافات در اینگونه قراردادها باید ابتدا به مبانی نظری آنها در حقوق بین‌الملل عمومی که خاستگاه اصلی روش‌های مزبور می‌باشد رجوع نمایند.

۴-۱- روش مذاکره^۱:

مذاکره به عنوان یکی از شاخص‌ترین روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی به لحاظ طبیعت پیچیده و متنوع آن ممکن است به صورت‌های مختلفی تعریف گردد. پروفیسور مارسال مال^۲ استاد دانشگاه سوربن فرانسه در کتاب جامعه‌شناسی روابط بین‌الملل مذاکره را به معنی گفتگو برای حل مساله متنازع فیه مابین طرف‌های اختلاف از طریق توافق یا چشم‌پوشی احتمالی از قسمتی از ادعاهای اولیه آنها می‌داند. هنری الفرد کیسینجر^۳ نظریه پرداز و وزیر خارجه اسبق ایالات متحده معتقد است در دیپلماسی رایج، مذاکره نزدیک ساختن دو نقطه نظر مخالف و متضاد به یکدیگر است. به نظر دکتر گری گوری جمانو^۴ استاد حقوق بین‌الملل دانشکده بخارست مذاکره روش داوطلبانه‌ای است که به صورت گفتگوهای صلح آمیز بین دو یا چند طرف انجام می‌شود. چنانچه ملاحظه می‌شود در این تعاریف مذاکره به طور کلی و عام در نظر گرفته شده است ولی اگر آن را بطور خاص به عنوان یک طریقه حل و فصل اختلافات بین‌المللی در نظر بگیریم تعریفی که دکتر لئال^۵ از مذاکره به عمل آورده است می‌تواند تعریف جامع‌تری را بدست دهد بدین شرح که مذاکره بین‌المللی شیوه بررسی صلح آمیز اختلافات یا اوضاع بین‌المللی است جهت به حرکت درآوردن یا رسیدن به برخی تفاهمات، بهبودی‌ها تعدیلات یا حل اختلاف بین طرفین درگیر یا طرفین ذینفع که به عقیده استاد دکتر سعید باقر میر عباسی تعریف اخیر تعریفی جامع‌تر نسبت به تعاریف سابق محسوب می‌گردد.

مذاکره را با توجه به قانون حاکم بر قرارداد می‌توان به مذاکرات تابع قانون ملی یا حقوق بازرگانی و تجاری عرفی یا فراملی یا حقوق بین‌الملل عمومی محسوب دانست و بر اساس اهمیت آن به مذاکرات در معاهدات بین دولت‌ها، مذاکرات در قراردادهای بین‌المللی بالادستی، میان دستی و پایین دستی و بر اساس اهمیت موضوع آن به مذاکرات ساده و یا مذاکرات مرکب منقسم دانست. همچنین با توجه به ماهیت طرفین قرارداد و

^۱ Negotiation

^۲ Mansel Mele

^۳ H. A. Kissinger

^۴ G. Gemano

^۵ A. Leal

نیازمندی مذاکرات به اخذ مجوزهای دولتی به مذاکرات منوط به اخذ مجوزهای دولتی و مذاکرات مستقل قابل تقسیم خواهد بود.

۲- روش میانجی‌گری^۱:

میانجی‌گری به عنوان یکی از روش‌های کلاسیک حل و فصل اختلافات در حیات بشری سابقه تاریخی طولانی دارد. به نحوی که از زمان‌های دور ریش سفیدان و معتمدان همواره به عنوان رکنی اساسی در فرایند حل و فصل اختلافات قومی و قبیله‌ای وجود داشته‌اند و این روش در عهد باستان از سوی تمدن‌های بزرگ چین، یونان، هند و ایران به عنوان روشی کارآمد جهت حل و فصل دوستانه اختلافات توصیه گردیده است. با این همه این روش مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات هم در ابعاد نظری و هم در ابعاد عملی و هم از نظر اسناد بین‌المللی امری است که در دامان حقوق بین‌الملل عمومی پرورش یافته و رسماً به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی مستند سازی و قاعده‌مند گردیده است به نحوی که جهت استخراج بهترین اسناد و تعاریف راجع به آن لازم است به منابع نظری مربوطه در اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عمومی رجوع نمود.

میانجی‌گری به شکل کنونی و به عنوان یکی از روش‌های مسالمت آمیز حل اختلافات در قراردادها و مناقشات بین‌المللی در قالب معاهدات یا قراردادهای دو یا چند جانبه از اواسط قرن نوزدهم میلادی رایج گردید اما قبل از آن نیز مورد توجه نظری قرار گرفته بود. به عنوان مثال در کنفرانس ۱۸۵۶ پاریس ماده ۲ مقرر می‌دارد: «چنانچه اختلافی میان کشورهای امضاکننده (دولت عثمانی و دولت‌های اروپایی) رخ دهد از طریق میانجی‌گری حل و فصل خواهد شد»^۲ گرچه اساس توجه آیین میانجی‌گری در حقوق بین‌الملل به صورت عملی و موثر در کنفرانس صلح لاهه (۱۸۹۹-۱۹۰۷) پی ریزی گردید.

در تعریف میانجی‌گری در حقوق بین‌الملل به طور خاص در قراردادها و مناقشات بین‌المللی تعاریف ذیل را می‌توان از اساس محکم تری برخوردار دانست:

میانجی‌گری عبارت است از اقدام داوطلبانه و فعال یکی از تابعین حقوق بین‌الملل اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها، اشخاص جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلاف موجود^۳.

میانجی‌گری اقدامی است داوطلبانه و فعال توسط یکی از تابعین حقوق بین‌الملل با توافق کشورهای طرف اختلاف جهت دستیابی به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود^۴.

میانجی‌گری عبارت است از اقدام و دخالت دولت ثالث جهت فراهم آوردن موجبات توافق و ایجاد زمینه مساعد برای رفع اختلاف دو دولت^۵. به عبارت روشن تر میانجی‌گری به عنوان یکی از روش‌های حل و

^۱ Meditation-Intemposition-Intercession

^۲ موسی‌زاده، رضا. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، ۱۳۷۶

^۳ منبع پیشین، جلد دوم ص ۱۶۳

^۴ وفائی، منصور، علیپور، عادل. کتاب حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، انتشارات مجد، ۱۳۹۵

^۵ میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، تهران، تابستان ۱۳۹۴، نشر میزان

فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی اقدامی است هدفمند که از طریق آن عناصر بین‌المللی طرف اختلاف از طرف شخصیتی بین‌المللی ثالث اعم از کشورها، سازمان‌ها، اشخاصی که میانجی نامیده می‌شوند و توسط طرفین اختلاف به رسمیت شناخته شده‌اند زمینه‌های تبادل نظر مجدد رفع اختلاف و توافق طرفینی، جهت حل و فصل تضادی حول محور حقی بین‌المللی را فراهم می‌سازند.

میانجی‌گری دارای ۴ رکن اصلی می‌باشد که عبارتند از:

۱- طرفین اختلاف یا مناقشه

۲- میانجی

۳- مناقشه و اختلاف

۴- حق مورد اختلاف/مناقشه

دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تعریف مناقشه یا اختلافات بین‌المللی در نظریه مشورتی ۲۶ آوریل ۱۹۸۸ خود اشعار می‌دارد: «همسو نبودن رای دو عنصر بین‌المللی در موضوع حقی یا وقوع امری و تضاد نظر حقوقی و تعارض منافع طرفین، اختلاف بین‌المللی شمرده می‌شود.» اصولاً در اختلافات بین‌المللی صرف اصرار یک طرف مبنی بر این که با طرف دیگر اختلاف دارد کافی نیست. همچنین صرف انکار وجود اختلاف نیز کافی نیست که نشان دهد تعارضی بین طرفین حول محور حقی موجود نمی‌باشد بلکه باید اثبات شود که ادعای یک طرف کاملاً مورد مخالفت طرف دیگر است.^۱

میانجی‌گری در اقسام و اشکال مختلف آن بر محور قانون حاکم بر حل و فصل اختلافات قراردادهای خصوصی به میانجی‌گری در چارجوب حقوق ملی، میانجی‌گری در قالب حقوق بین‌الملل عمومی و میانجی‌گری بر اساس قانون فراملی بازرگانی و تجاری و یا عرف‌های معمول بین‌المللی و یا قانون مورد توافق طرفین منقسم می‌گردد. همچنین بر محور میانجی‌گری شخصی، سازمانی، دولتی می‌تواند منقسم گردد. اما آنچه مسلم است میانجی‌گری در هر شکل شخصی یا سازمانی آن خصوصی یا دولتی آن رسمی یا غیر رسمی آن بر محور شخصی مقبول، معتبر، شناخته شده و مورد وثوق و اقبال طرفین اختلاف شکل خواهد گرفت.

۳- روش مساعی جمیله^۲:

در حقوق بین‌الملل در تعریف مساعی جمیله به عنوان یکی از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی آمده است: «مساعی جمیله یا پایمردی در واقع مساعدت و تلاش دوستانه دولت ثالثی است که می‌کوشد تا هم زمینه‌ای برای تفاهم برای از سرگیری مذاکرات تدارک نماید و هم با اقدامات علنی آرام‌پیشنهادات خود جهت حل و فصل مناقشه را به طرفین اختلاف بقبولاند»^۳. در تعریفی دیگر آمده است:

^۱ ر.ک: دیوان بین‌المللی دادگستری، مجموعه آراء سال ۱۹۶۳، رای مورخه ۲۱ دسامبر شماره ۲۹۶۲ ص ۳۲۸

^۲ Good Office

^۳ همان منبع پیشین ص ۷۵

«مסاعی جمیله اساسا تلاش دوستانه دولت ثانی است که می‌کوشد تا هم زمینه‌ای را جهت ایجاد تفاهم و توافق کشورهای در حال اختلاف در خصوص از سرگیری مذاکرات فراهم آورد و هم با اقدامات علنی، پیشنهادات خود را به طرفین مناقشه بقبولاند که به موجب آن طرف ثالث با رضایت کشورهای طرف اختلاف در نقش واسطه به نحوی می‌کوشد تا آنها را متمایل به مذاکره مجدد نماید بدون این که برای حل و فصل اختلاف به کشورهای مزبور پیشنهادات ماهوی ارائه نماید»^۱.

بر اساس تعاریف فوق و با عنایت بر عناصر و ارکان تعریف مساعی جمیله به نظر نگارنده تعریفی جامع‌تر از این روش حل و فصل دوستانه اختلافات بین‌المللی را در مواردی که تابع حقوق بین‌الملل عمومی هستند می‌توان به شرح ذیل ارائه نمود:

مساعی جمیله در حقوق بین‌الملل عمومی به عنوان یکی از روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی عبارت است از ورود کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی و یا اشخاص دارای اعتبار بین‌المللی ثالث و غیر ذینفع به عنوان واسطه در اختلافات و مناقشات بین‌المللی بین دو یا چند کشور که در موضوع حقی تعریف شده در حقوق بین‌الملل عمومی با یکدیگر اختلاف داشته و مذاکرات قبلی طرفین عقیم مانده و نتیجه عملی از آن تحصیل نگردیده باشد مشروط بر آنکه ورود واسطه با رضایت قبلی طرفین اختلاف بوده و نتیجه حاصله مشتمل بر پیسنهاد ماهیتی و الزام طرفین به رعایت و قبول نتیجه اجباری نباشد.

ریشه‌های توجه حقوق بین‌الملل عمومی به روش مساعی جمیله که نزدیکی زیادی با روش میانجی‌گری، مذاکره و حتی داوری غیراجباری دارد را می‌توان در کنفرانس‌های لاهه (۱۹۰۷-۱۸۹۹) که طی آنها کشورهای متعاقد ضمن استقبال از روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی توافق نمودند تا در صورت حدوث این‌گونه اختلافات پیش از آنکه به مخاصمه و جنگ توسل جویند خواستار وساطت دولت‌های ثالث جهت نزدیک سازی مواضع و ایجاد تعامل با هدف از سرگیری مذاکرات گردند جستجو نمود. همچنین باید به سند میثاق جامعه ملل مواد ۱۲ و ۱۳ و همچنین اسناد دیگری از جمله پروتکل ژنو ۱۹۲۴ و پیمان بریان گلوگ ۱۹۲۸ و همچنین بند ۳ از ماده ۲ منشور و همچنین ماده ۳۳ آن رجوع نمود.^۲

۴- روش سازش^۳:

سازش و آشتی به عنوان یکی از روش‌های دوستانه حل اختلافات پیشینه طولانی در زندگی بشری داشته و همواره به عنوان یکی از عالی تر روش‌ها در این وادی مطرح بوده است. سازش اساسا به مفهوم توافق طرفین اختلاف جهت تحلیل تعارضات از طریق تعامل و گفتگویی منتج به حل کامل آن اختلاف است. مفهومی مترادف با آشتی در مقابل دشمنی و ستیزه جوئی. در حقوق ملی و حقوق بین‌الملل نیز مفاهیمی بسیار نزدیک به مفهوم سنتی سازش مورد توجه قرار گرفته است. اما توجه به این روش بطور رسمی و موثر و مستند شدن آن بیشتر مرهون حقوق بین‌الملل است که آن را به صورت یکی از روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورها و دولت‌های متخاصم مطرح نمود. در حقوق بین‌الملل عمومی اصولا منظور از سازش

^۱ همان منبع ص ۴۳

^۲ رابرت بله سو، بوبلاو بوجیک، فرهنگ حقوق بین‌الملل ترجمه علیرضا پارسا، تهران، انتشارات توس، ص ۳۶۲

^۳ Compounding/Compromis

و آشتی یکی از روش‌های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی است که در قالب آن دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جهت حل اختلافات و مناقشات بین‌المللی به صورت کاملاً دوستانه با یکدیگر تعامل می‌نمایند. سازش تعریفی بسیار نزدیک با روش‌های میانجی‌گری، مساعی جمیله و مذاکره دارد اما در واقع امر با آن‌ها متفاوت است.^۱

برخی تعاریف مطرح در خصوص روش سازش در حقوق بین‌الملل عبارت‌اند از: «روشی که طی آن دول طرف اختلاف با تشکیل کمیسیون‌هایی موسوم به کمیسیون سازش مرکب از افراد متخصص، حقوق‌دانان و دیپلمات‌ها جهت رسیدگی به اختلافات و پیشنهاد راه حل مناسب از طریق تحقیقات جامع نسبت به مذاکره مجدد و رفع اختلاف فی‌ما بین عمل می‌نمایند».^۲

در تعریف فوق عناصر اصلی تعریف به شرح ذیل قابل بررسی می‌باشند:

۱- سازش به عنوان یکی از روش‌های مسالمت آمیز حل اختلافات بین‌المللی مطرح می‌باشد.

۲- در روش سازش دولت یا سازمان بین‌المللی تلاش در برقراری مجدد مذاکرات دارد.

۳- پیشنهاد مناسب به طرفین پس از انجام مراحل تحقیق

۴- روش آشتی در ماهیت خاصیت اجباری و الزامی بودن ندارد، الا اجباری بودن در آن شرط شده باشد.

در خصوص نقش حقوق بین‌الملل در توجه، نهادینه سازی و مستند سازی روش سازش به عنوان یک روش دوستانه حل و فصل اختلافات باید اذعان داشت که پذیرش رسمی این روش حتی در حقوق بین‌الملل نیز به عنوان روشی مدرن تلقی می‌گردد. گرچه بکارگیری روش مزبور در تعریف ساده و باستانی آن، بمعنی آشتی در مقابل تخاصم سابقه‌ای طولانی داشته است. در پیشینه شکل‌گیری این روش در حقوق بین‌الملل عمومی ملاحظه می‌گردد حتی در فرایند تصویب کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و میثاق جامعه ملل نیز تصویر نهادینه شده‌ای از روش سازش در اسناد بین‌المللی مشاهده نمی‌گردد. گرچه برخی از نظریه پردازان رسیدگی موجود در قسمت‌های ۲ و ۳ کنوانسیون مزبور در خصوص داوری را جزء قدیمی‌ترین اسناد مربوط به سازش معرفی نموده‌اند. به نظر می‌رسد روش سازش بصورت رسمی اولین بار در معاهده ۱۹۰۹ بین دول ایالات متحده آمریکا و کانادا و سپس در سال ۱۹۱۱ در معاهدات فی‌ما بین فرانسه و بریتانیا بکار گرفته شده است. در سیر تکاملی نهادینه شدن روش سازش در حل اختلافات بین‌المللی اسنادی در رجوع به این روش و تحرکاتی جهت پذیرش آن به عنوان یک قاعده بین‌المللی در سال ۱۹۲۸ مشاهده می‌گردد. تا سال ۱۹۶۶ که این روش در قالب میثاق حقوقی، مدنی، سیاسی سازمان ملل متحد نهادینه گردید و چنانچه در مواد ۱۱، ۱۳، ۱۵ میثاق مشاهده می‌گردد این روش به عنوان یکی از روش‌های حل اختلافات بین‌المللی مدرن به کشورها توصیه گردیده است. بدیهی است قبل از تاکید میثاق مزبور در سومین اجلاس مجمع جامعه ملل قطعنامه‌هایی در

^۱ ر.ک: میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق معاهدات، تهران، ۱۳۹۴، انتشارات میزان ص ۸۲

^۲ همان منبع پیشین

خصوص این موضوع به تصویب رسیده است. همچنین در سند عمومی داوری در سال ۱۹۲۸ رسماً به عنوان یک قاعده بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. چنانچه ملاحظه می‌گردد به دنبال قطعنامه‌های مربوط به سومین اجلاس مجمع جامعه ملل وظایف شورای امنیت پیرامون آشتی و سازش بین کشورها که به موجب مواد ۱۵ و ۱۷ میثاق بر عهده آنان گذارده شده بود تعیین گردید گرچه هیچ کمیسیون جهانی بر اثر سازش تشکیل نگردید اما دولت‌ها در قالب آن ملزم گردیدند تا نسبت به انعقاد قراردادهای تشکیل کمیسیون‌های سازش و آشتی جهت جهت حل اختلافات و مناقشات بین‌المللی اقدام نمایند و بر همین اساس در مقاطع بعدی بیش از ۳۰۰ قرارداد دوجانبه آشتی بین کشورها در بستر حقوق بین‌الملل قابل مطالعه می‌باشد.^۱

در حقوق ملی در تمامی نظام‌های شناخته شده نیز آشتی و سازش به عنوان یکی از ابزارهای حل اختلافات به صورت مسالمت آمیز شناخته شده است. با این تفاوت که در حقوق ملی سازش تابعین حقوق بین‌الملل الزاما حضور نداشته و اساساً در خصوص اختلافات تابع حقوق خصوصی در هر مرحله از دعوا یا اختلاف حتی در اثناء رسیدگی قضایی طرفین اختلاف می‌توانند به روش سازش و آشتی به ختم و فصل دعاوی از طریق روش آشتی و سازش مبادرت ورزند.

امروزه هم در حقوق بین‌الملل و هم در حقوق خصوصی روش‌های نوین سازش نیز مطرح است که شرح آنها در این مقال میسر نبوده و بطول می‌انجامد که از آن جمله است: سازش اجباری یا شرط مذاکره مجدد در قراردادها که طرفین در این طرق سازش به نوعی خود را به مذاکره مجدد و سازش منتج به نتیجه قطعی ملزم می‌سازند.

۵- روش کارشناسی و تحقیق^۲:

روش کارشناسی و تحقیق یکی از دیگر روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است که بطور خاص هم در گستره حقوق بین‌الملل و هم در حقوق خصوصی و نظام‌های حقوقی ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شاید دلیل استقبال از این روش هم از سوی طرفین اختلافات بین‌المللی و هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی این باشد که روش مزبور هم خود به صورت روشی برای تحلیل و شفاف سازی و نهایتاً حل و فصل اختلافات محسوب می‌گردد و هم می‌تواند به عنوان یک ابزار و روش مکمل با دیگر روش‌های حل و فصل بطور همزمان بکار گرفته شود. در هر صورت بازخورد اصلی از کاربرد این روش همان راستی آزمایی و ایجاد شفافیت در جهت تحلیل اختلافات است که هر انسان عاقل و بالغ و شرافتمندی از آن استقبال می‌نماید. در تعریف این روش می‌توان آن را یکی از روش‌های حل و فصل دوستانه اختلافات بیان داشت که

^۱ میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، تهران، تابستان ۱۳۹۴، نشر میزان ص ۸۳ و ۸۴

^۲ Expertise and Investigation

طرفین توافق می‌نمایند بر اساس اسناد و مدارک و شواهد قاطع و مورد قبول ریشه‌های اختلاف را توسط فرد یا گروه یا سازمانی مورد توافق طرفین به شکل دقیق و منصفانه‌ای مورد بازبینی و بازرسی مجدد قراردادده و بر اساس واقعیت‌های مستند به درک مواردی منطقی و قوف می‌یابند به نحوی که نتیجه تحقیقات بعمل آمده بتواند طرفین را به اتخاذ تصمیم نهایی در جهت حل و فصل اختلاف رهنمون سازد. روش مزبور جنبه الزام آور نداشته اما می‌توان با توافق طرفینی بدان جنبه الزامی داد به نحوی که طرفین نتایج ناشی از تحقیق و کارشناسی را پذیرفته و از اتخاذ هرگونه تصمیم بر خلاف آن نتایج منع شوند.

گرچه بکارگیری روش تحقیق و کارشناسی به صورت سنتی ریشه در دوران باستان داشته و شاید بتوان پیدایش بسیاری از مکاتبات فلسفی و عقلی و سپس سیاسی و اجتماعی را نیز ناشی از کاربست این روش محسوب داشت و سپس در دوران تشکیل جوامع مدنی، این روش را پرطرفدارترین روش حل اختلاف تلقی نمود اما نهادینه شدن و قاعده‌مند شدن آن در سطح اختلافات و مناقشات بین‌المللی را باید امری ناشی از ایجاد و توسعه حقوق بین‌الملل دانست. نخستین نمود تأکید اسناد بین‌المللی بر روش تحقیق به کنفرانس اول صلح لاهه ۱۸۹۹ باز می‌گردد که روش مزبور از سوی دولت روسیه به دیگر کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس مزبور توصیه و تأکید گردید و مورد توجه و استقبال کشورها قرار گرفت. سپس در کنفرانس دوم لاهه ۱۹۰۷ مقرراتی در خصوص آن تنظیم و تدوین شد.^۱

روش مزبور در کنفرانس داوری ۱۹۰۷ لاهه طبق کنوانسیون یکم کمیسیون‌های تحقیق و کارشناسی به عنوان رکن اصلی فرآیند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات رسماً معرفی گردید.^۲ کاربست روش تحقیق در دوران معاصر در اختلافات و مناقشات بین‌المللی هم از سوی جامعه ملل در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۹ و هم توسط سازمان از سال ۱۹۴۶ رسماً مورد استفاده قرار گرفته است.^۳

در نظام‌های مختلف حقوق ملی کشورها نیز کارشناسی و تحقیق هم ابزاری جهت دست یافتن به واقعیات و مقتضیات حول موضوع اختلاف از سوی محاکم محسوب می‌گردد و هم در رسیدگی‌های شبه قضائی (داوری) و همچنین صور حل و فصل دوستانه اختلافات به عنوان یک روش کارآمد کاربست خاص دارد، بدین شکل که غالباً در رسیدگی‌ها از هر دو شکل فوق استفاده می‌گردد، هم قضات و هم داوران و میانجی‌گران و مذاکره‌کنندگان الزام طرفین به اخذ نظریه کارشناسی را یکی از مراحل اصلی رسیدگی محسوب می‌دارند اما در واقع امر آنچه بیشتر در حقوق ملی به آن توجه گردیده است کارشناسی و تحقیق به عنوان یکی از ابزارهای رسیدگی به واقعیات و تفسیر اسناد و مدارک ابرازی طرفین دعوی یا اختلاف بوده است تا قبول روش مزبور به عنوان یک روش حل و فصل اختلافات.

۶- مکانیزم ایفاء نقش سازمان مناطق آزاد تجاری و صنعتی در فرآیند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی:

^۱ مواد ۹ الی ۱۳ مقررات مصوب کمیسیون بین‌المللی تحقیق، کنفرانس دوم لاهه ۱۹۰۷

^۲ ر.ک: کنوانسیون داوری لاهه ۱۹۰۷، ماده ۹

^۳ ر.ک: ماده ۳۴ منشور ملل متحد و اعلامیه ۱۹۸۸ سازمان ملل در خصوص کاربست روش تحقیق در مناقشات بین‌المللی

چنانکه در گفتارهای پیشین اشاره گردید سازمان مناطق آزاد تجاری ایران به عنوان متولی اصلی ایجاد و اداره مناطق مزبور و همچنین سازمانهای عمران این مناطق به عنوان نمایندگان حاکمیت در این مناطق دارای جایگاه حاکمیتی خاص و یا به موجب قانون عهده‌دار مسئولیت‌هایی به عنوان نماد نمایندگی دولت و حاکمیت در این مناطق محسوب می‌گردند که به لحاظ وجود همین خصیصه نقشی بسیار مهم در نظارت، کنترل و چگونگی حسن انجام قراردادهای بین‌المللی منعقد در این مناطق (منظور هرگونه قراردادی است که به نحوی با مناطق مورد بحث ارتباط می‌یابد و جنبه بین‌المللی دارند) و همچنین حمایت از طرفین این قراردادها در زمان وقوع اختلافات دارند، نقش حاکمیتی این سازمان‌ها جهت عینیت و نهادینه سازی طبیعتاً نیازمند مکانیزم‌ها و راهکارهای خاص خود می‌باشد که تشریح مفصل آن از مجال و حوصله بحث حاضر خارج است اما به طور بسیار ساده می‌توان نقش مزبور را در الزام طرفین قرار دادها خصوصاً قراردادهای بین‌المللی مربوط به تجار، بازرگانان، شرکت‌ها و اشخاصی که در این مناطق به تعاملات تجاری و صنعتی می‌پردازند و شاخصه این تعاملات نیز تبعاً یک یا چند قرارداد بین‌المللی است (حال یا قراردادهای بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل یا قراردادهای بین‌المللی تابع حقوق خصوصی و ملی) به پذیرش نقش سازمان مناطق آزاد تجاری یا سازمان‌های مدیریتی و عمرانی این مناطق به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات مسالمت آمیز در قراردادهای مزبور دانست. بدیهی است که نمی‌توان طرفین قراردادهای خاصه قراردادهای بین‌المللی تجاری و صنعتی که در مناطق آزاد اجرا می‌گردند را صرفاً اموری تحت مدیریت سازمان‌های عمران یا سازمان مناطق آزاد تجاری دانست و طرفین قرارداد را اجباراً محدود و مقید ساخت که روش‌های حل و فصل اختلافات را با مرجعیت صرف متولیان این مناطق بکارگیرند و آزادی ایشان در گزینش و انتخاب ساز و کار حل و فصل اختلافات در قراردادهای محدود نمود اما از سوئی دیگر نیز نمی‌توان در فرآیند مزبور نقش و چنانچه گفته شد حق مسلم سازمان‌های متولی این مناطق را به لحاظ حفظ حریم آزادی اراده با طرفین قراردادهای به صفر تقلیل داد، لذا به نظر می‌رسد مهم‌ترین راهکار جهت حل این دوگانگی این باشد که فرآیند حل و فصل اختلافات خاصه در قراردادهای بین‌المللی در مناطق مزبور را به دو مقطع تلاش جهت حل و فصل مسالمت آمیز و سپس در صورت عدم حصول توافق و نتیجه مورد وفاق رهاسازی طرفین این قراردادها جهت بکارگیری روش‌های قضائی یا شبه قضائی مورد نظر آنها منقسم نمود، بنابراین به طور خلاصه مکانیزم دخالت و ایفای نقش متولیان مناطق آزاد تجاری در این گونه قراردادهای مهم بین‌المللی الزام طرفین قرارداد جهت درج و تصریح جایگاه سازمان مناطق تجاری یا سازمان‌های عمران هر منطقه به عنوان مرجع رسمی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قرارداد خواهد بود که برای طرفین نیز جنبه الزام آور داشته باشد و چنانچه این فرآیند مسالمت آمیز و دوستانه حل اختلافات تحت مدیریت و نظارت مشحون با حمایت سازمان به تحصیل نتیجه عملی و موثر منتج نگردد طرفین آزاد باشند تا از هر روش حل اختلاف اعم از قضائی یا شبه قضائی (داوری) جهت حل اختلافات قراردادی بهره‌گیرند. همچنین در کلیه قراردادهای منعقد مرتبط با این مناطق به اختیارات سازمان در خصوص نظارت غیررسمی، کنترل قرار داد و تلاش جهت اجرای بهینه تعهدات قراردادی تصریح گردد تا سازمان‌های مزبور بتوانند از این طریق نقش حاکمیتی خود در پیشگیری از اختلافات قراردادی خاصه قراردادهای مهم و بین‌المللی منعقد شده در این مناطق را ایفاء نمایند.

در گام بعدی سازمان متولی در خصوص قراردادهای بین‌المللی مزبور از طریق بخش سازمانی کارآمدی که به منظور حضور موثر در فرآیند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در این قراردادهای بین‌المللی تدارک و تجهیز نموده است با تعامل طرفین اختلاف و حتی نهادهای ذیربط و موثر بر حدوث اختلاف از طریق یکی از

روش های پنجگانه حل و فصل مسالمت آمیز پیش گفته به ایفاء نقش به عنوان یک مذاکره کننده، میانجی، مرجع کارشناسی یا محلل خواهد پرداخت، بدیهی است ماهیت این حضور یک حضور منصفانه و بی طرفانه و با هدف حمایت از طرفین اختلاف و قرارداد منعقد فی مابین آنها خواهد بود.

۷- بررسی آسیب‌های ناشی از عدم ایفاء نقش موثر سازمان مناطق آزاد تجاری و سپس فواید توجه و متولی گری سازمان مزبور در فرایند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی:

۷-۱- آسیب‌ها:

۷-۱-۱- انعقاد قراردادهای بین‌المللی نامتناسب با شرایط و امکانات منطقه آزاد تجاری

۷-۱-۲- انعقاد قراردادهای بین‌المللی با شرایط نامتوازن حقوقی/اقتصادی

۷-۱-۳- انعقاد قراردادهای بین‌المللی حاوی تعارض قوانین و مقررات

۷-۱-۴- انعقاد قراردادهای بین‌المللی فاقد امکان سنجی‌های اقتصادی

۷-۱-۵- تعلیق و توقف قراردادهای بین‌المللی به سبب نامناسب بودن سازکارهای حل و فصل اختلافات و پیچیدگی آنها و تطویل رسیدگی

۷-۱-۶- ایجاد تاخیرات شدید در اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها به واسطه عدم توجه به سازکارهای حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی مربوطه

۷-۱-۷- بروز خسارات و هزینه‌های مازاد و فرسایش فرصت‌های اقتصادی بواسطه تطویل در فرایند حل و فصل اختلافات در قراردادهای مربوطه

۷-۲- فواید:

۷-۲-۱- امکان برخورداری طرفین قراردادهای بین‌المللی معقد در مناطق آزاد تجاری از تسهیلات حمایتی و نظارتی حاکمیتی

۷-۲-۲- امکان نظارت، کنترل و حمایت سازمان متولی منطقه آزاد تجاری از حس است اجرای قراردادها و طرح‌های اجرائی

۷-۲-۳- امکان پیشگیری از تاخیرات، تعلیق، توقف طرح‌های اجرائی مناطق آزاد از طریق حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات با حضور سازمان متولی

۸- بررسی و راستی آزمایی نتایج پژوهش بطور خاص و به صورت موردی در منطقه آزاد تجاری قشم:

در گفتار پیشین ابتدا نقش مناطق آزاد تجاری در فرایند جذب سرمایه گذاری‌های خارجی و سپس قراردادهای بین‌المللی در این مناطق خاص که غالباً دارای یک عنصر خارجی می‌باشند به عنوان محور فعالیت‌های اقتصادی در این مناطق در حد مجال بررسی گردید و در ادامه مهم ترین نقش سازمان‌های مدیریتی متولی این مناطق اعم از سازمان مناطق آزاد تجاری و سپس سازمان‌های عمران این مناطق در خصوص مسئولیت‌های حاکمیتی از قبیل نظارت، کنترل و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها در این مناطق مورد تامل واقع گردید و از آن میان لزوم ایفا نقش و توجه موکد به مبحث حضور سازمان‌های مزبور در فرایند حل و فصل اختلافات به روش مسالمت آمیز در قراردادهای بین‌المللی حوزه آنها نقد گردید و بطور بسیار خلاصه تشریح گردید که هر یک از روش‌های مزبور چگونه در گستره حقوق بین‌الملل عمومی و همچنین نظام‌های حقوقی ملی، تعریف و مستند سازی و مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند. در این گفتار به مطالعه موردی یکی از این مناطق آزاد تجاری در ایران پرداخته می‌شود تا نتایج پژوهش در آن راستی آزمایی گردد، بدیهی است یا توجه به محوریت و اهمیت طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های حوزه نفت و گاز (منابع هیدروکربوری) و صنایع میان‌دستی و پایین‌دستی مربوطه در مناطق آزاد تجاری ایران خاصه منطقه آزاد تجاری قشم این بررسی به قراردادهای بین‌المللی حوزه نفت و گاز در این مناطق محدود گردیده است.

۸-۱- ایجاد منطقه آزاد تجاری/صنعتی قشم

منطقه آزاد تجاری/صنعتی قشم در سال ۱۳۶۹ با وسعت ۳۰.۰۰۰ هکتار به موجب قانون ایجاد و اداره مناطق آزاد تجاری مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی و تایید ۷۲/۰۷/۲۱ شورای نگهبان در جزیره قشم ایجاد گردید.

۸-۲- وضعیت جغرافیایی/بنادر اصلی:

جزیره قشم از شمال به شهر بندر عباس، مرکز به بخش خمیر و قسمتی از شهرستان بندر لنگه و از شمال شرقی به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک و از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب غربی به جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی محدود می‌گردد. مساحت جزیره ۱۴۹۱ کیلومتر مربع حدود ۵/۲ برابر دومین جزیره بزرگ خلیج فارس یعنی بحرین است. بنادر اصلی تحت نظارت مدیریت بنادر جزیره قشم عبارت اند از: بنادر بهمن، شهید ذاکری، هامون، فجر، درگهان، کاوه، لافت و پهل. جزیره قشم واقع در تنگه هرمز از وضعیت خاص بین خلیج فارس و اقیانوس هند بهره می‌برد. مرز آبراهی تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس (ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین قطر امارات متحده عربی و عمان) از سواحل جنوبی آن عبور می‌کند و تمام ترافیک هوایی شرق و غرب از فراز آسمان قشم می‌گذرد. جزیره قشم با تمام خصوصیات فوق دریاچه ای است مطمئن و گشوده بر خلیج فارس که حجم وسیع و قابل توجهی از نفت و گاز جهان حداقل در ۱۰۰ سال آینده از محدوده‌ای بسیار نزدیک به آن به نقاط مختلف جهان منتقل می‌گردد. مضاف بر اینکه خود جزیره نیز دارای منابع ارزشمند هیدروکربوری (نفت و گاز) می‌باشد.

۸-۳- زمینه‌های سرمایه گذاری:

زمینه‌های سرمایه گذاری در منطقه آزاد تجاری قشم به ترتیب در ۹ گروه پیش بینی گردیده که عبارت‌اند از: ۱- نفت ۲- گاز ۳- پتروشیمی ۴- صنایع میاندستی نفت و گاز و پتروشیمی و صنایع پایین دستی مربوطه ۵- صنایع مربوط به فرآوری، پخش و پالایش مواد نفتی ۶- خدمات ۷- تجارت خصوصاً در ابعاد بین‌المللی ۸- شیلات ۹- توریسم

۸-۴: مهم ترین زمینه‌های تجاری و صنعتی:

با توجه به برنامه‌های توسعه منطقه آزاد قشم همچنین توجه به مزیت‌های این منطقه بواسطه عمق مناسب سواحل، میادین نفت و گازی فراوان، اسکله‌های رو به توسعه و بنادر مربوطه مهم ترین استراتژی توسعه این منطقه تبدیل منطقه آزاد تجاری مزبور به یک هاب قوی انرژی در منطقه می‌باشد. در این راستا طرح‌های مرتبط با منابع هیدروکربوری در شش بخش در منطقه مورد بحث تعریف و امکان‌سنجی گردیده است که عبارتند از:

۱- طرح‌های مربوط به بخش نفت

۲- طرح‌های مربوط به بخش گاز

۳- طرح‌های مربوط به بخش پتروشیمی

۴- طرح‌های مربوط به پالایش مواد نفتی

۵- طرح‌های مربوط به بخش صنایع پایین دستی پتروشیمی

۶- طرح‌های مربوط به بخش ذخیره سازی، سوخت رسانی و پخش مواد نفتی

۸-۵- طرح‌های مصوب حوزه نفت و گاز و پتروشیمی، پالایش در منطقه آزاد تجاری قشم:

با توجه به تمهیدات مشترک ایجاد شده منطقه آزاد تجاری قشم با وزارت نفت (معاونت برنامه ریزی) و بررسی ظرفیت‌های پذیرش سرمایه گذاری داخلی و خارجی در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی و همچنین صنایع پالایشگاهی و صنایع پایین دستی خاصه در بخش پتروشیمی طرح‌ها و پروژه‌های مربوطه در محورهای ذیل در دستور کار منطقه آزاد تجاری/صنعتی قشم قرار گرفته است:

۸-۵-۱- هاب پتروشیمی:

مجوز احداث و موافقت اصولی تعداد ۵ مجتمع پتروشیمیایی با خوراک گاز و محصول متانول و زنجیره محصولات متنوع دیگر در منطقه آزاد قشم صادر گردیده و در دست اقدام می‌باشند که عبارتند از:

۸-۵-۱-۱: مجتمع پتروشیمی GTPP شماره ۱ شرکت کیمیکو

۸-۵-۱-۲: مجتمع پتروشیمی GTPX شماره ۲ شرکت کاوه متان

۸-۵-۳: مجتمع پتروشیمی GTPP شماره ۳ شرکت نفت و گاز پتروشیمی بین‌المللی قشم

۸-۵-۴: مجتمع پتروشیمی GTPP شماره ۴

۸-۵-۵: مجتمع پتروشیمی GTPP شماره ۵ شرکت مهام قشم

۸-۵-۶: زیرساخت‌های مربوطه طرح‌های پتروشیمی

۸-۵-۷: خدمات متمرکز مربوط به طرح‌های پتروشیمی

۸-۶-۱: طرح‌ها و پروژه‌های صنایع پایین دستی واحدهای پتروشیمی قشم

۸-۵-۲: طرح‌های پالایشگاهی:

۸-۵-۲-۱: طرح احداث پالایشگاه هنگام (با ۲/۲ میلیون متر مکعب گاز تحصیلی در روز)

۸-۵-۲-۲: طرح احداث پالایشگاه نفت فوق سنگین بهین پالایش قشم (۷۰ هزار بشکه در روز)

۸-۵-۲-۳: طرح احداث پالایشگاه نفت سنگین صادراتی (۴۰ هزار بشکه در روز)

۸-۵-۲-۴: طرح احداث پالایشگاه نفت فوق سنگین نیک صنعت پارسیان (۳۰ هزار بشکه در روز)

۸-۵-۲-۵: طرح احداث پالایشگاه نفت فوق سنگین شرکت آساک تابان انرژی قشم (۳۵ هزار بشکه در روز)

۸-۵-۲-۶: طرح احداث مینی پالایشگاه نفت سنگین (۱۰,۰۰۰ بشکه در روز)

۸-۵-۲-۷: تاسیس آزمایشگاه مرجع نفت

۸-۵-۳: طرح‌های بخش گاز (LNG):

۸-۵-۳-۱: طرح احداث مجتمع LNG با ظرفیت ۴ واحد LNG هرکدام به ظرفیت ۱۰۰۰ تن در روز

۸-۵-۳-۲: طرح احداث خط لوله گاز از IGATY در سرزمین اصلی به منطقه گورزین

۸-۵-۳-۳: طرح احداث خط لوله گاز از منطقه گورزین به سلخ (هاب پتروشیمی قشم)

۸-۵-۴: طرح‌های زیر بنایی نفت و گاز:

۸-۵-۴: طرح ایجاد بندر بزرگ قشم^۱ با ظرفیت بالای ورود و خروج کالا، تجهیزات و محصولات مورد نیاز خصوصا برای هاب نفت، گاز و پتروشیمی قشم

۸-۵-۲: طرح احداث دو واحد نیروگاه، سیکل ترکیبی هریک به ظرفیت ۵۰۰ مگاوات (توسعه شبکه انتقال برق و توسعه انتقال آب مورد نیاز صنایع)

۸-۶: میزان اهمیت قراردادهای بین‌المللی حوزه نفت و گاز در فرایند توسعه منطقه آزاد اقتصادی قشم:

چنانچه در بند ۸-۵ فوق و مفاد آن ملاحظه می‌گردد بطور خاص در منطقه آزاد قشم بیشترین تاکید و توجه دولت به بخش انرژی (حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش) معطوف گردیده است و اصولا ایجاد و سپس اداره و توسعه این منطقه آزاد تجاری و صنعتی در گرو طرح‌ها و پروژه‌های بخش انرژی/نفت و گاز قرارداد به نحوی که بیش از ۸۰٪ توان و امکانات منطقه آزاد مزبور به طرح‌های این حوزه اختصاص یافته است. از سوی دیگر طرح‌های مورد بحث هریک بر محور یک یا چند قرارداد اصلی^۲ و ده‌ها و صدها قرارداد دست دوم^۳ استقرار یافته و قابل اجرا خواهد بود. هریک از قراردادهای اصلی بطور قطع بی نیاز از حداقل یک عنصر خارجی (نحت عنوان سرمایه گذار فاینانس، صاحب ليسانس، تامین کننده تجهیزات غیر ایرانی، خرید محصول یا ...) نخواهد بود و چنانچه تحریم‌های بین‌المللی وجود نمی‌داشت عملا حتی دولت از طریق وزارت نفت یا شرکت ملی نفت ایران و دیگر شرکت‌های تابعه مستقیما از طریق قراردادهای بین‌المللی دولتی با سرمایه‌گذاران خارجی به تعامل می‌پرداختند و به طور مسلم هیچیک از قراردادهای مهم و در سطح ملی نفتی مزبور نیز بدون یک یا چند اختلاف قراردادی امکان اجرا و اتمام نمی‌یافت و نمی‌یابد و این اختلافات نیز مسلما به خلل و خدشه و وقفه هم در شاخص زمانی قراردادها و هم به لحاظ ایجاد هزینه‌های مازاد ناشی از اختلاف و تاخیر و یا تعلیق پروژه‌ها و هزینه‌های سربار از آن طریق خواهد انجامید. چنانچه ملاحظه می‌گردد، با یک مطالعه و واکاوی ساده در میزان پیشرفت طرح‌های مورد بحث از سال ۱۳۹۰ تاکنون که بیش از ۱۰ سال از امکان‌سنجی و اخذ موافقت اصولی این طرح‌ها سپری می‌گردد می‌توان دریافت که به لحاظ بروز مشکلات و اختلافات قراردادی و عدم ایفاء نقش موثر سازمان متولی منطقه آزاد تجاری در فرایند مزبور چگونه تقریبا کلیه طرح‌های مورد بحث دچار تاخیر گردیده و از برنامه‌های زمانی مصوب عقب مانده و از این رهگذر میلیاردها دلار هزینه‌های مازاد و همچنین مبالغ گزافی عدم النفع ایجاد گردیده است.^۴

عمده ترین دلیل ایجاد وقفه‌های پیش گفته در طرح‌های اجرایی مورد بحث را باید در موارد اختلافی ایجاد شده (به هر دلیل) و عدم حل و فصل و مدیریت به موقع آنها جستجو نمود و عمده‌ترین دلیل این نارسایی را باید عدم ورود و ایفاء نقش موثر سازمان متولی منطقه آزاد در فرایند حل و فصل اختلافات و کنترل و نظارت بر قراردادهای حوزه نفت و گاز در این منطقه عنوان نموده و دلیل اینکه متاسفانه برای این سازمان‌های متولی اصولا نقش مهمی جهت انجام مسئولیت فوق تعریف نگردیده است و دامنه تسری مسئولیت آنها صرفا در تامین زیر ساخت‌های منطقه آزاد و در حد یک پیمانکار عمومی خلاصه شده است.

^۱ Mega Port

^۲ Main Contract

^۳ Sub Contract

^۴ ر.ک: برنامه زمانبندی اجرای طرح‌های توسعه حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و مقایسه آن با گزارشات پیشرفت پروژه‌ها، عملا هیچیک از طرح‌ها منطبق بر زمانبندی و هزینه پیش بینی شده نمی‌باشند.

۷-۸- تاثیر مدیریت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات قراردادهای حوزه نفت و گاز در فرایند توسعه منطقه آزاد قشم:

مسئله عمده‌ترین علل تاخیر یا تعلیق طرح‌ها خاصه طرح‌های نفت و گاز پس از علل مربوط به تحریم‌ها و همچنین دلایل اقتصادی (تامین مالی طرح) ناشی از برخی اختلاف نظرهای طرفین قراردادهای مزبور در ابواب اجرائی یا حقوقی/قراردادی می‌باشد لذا چنانچه مبحث حل و فصل اختلافات در این قراردادها آن‌هم به روش مسالمت آمیز و دوستانه با محوریت و حضور هرچند غیرمستقیم سازمان مناطق آزاد مورد توجه موکد قرار گیرد می‌توان به پیشرفت‌های بسیار ارزشمندی ناشی از اجرای بهینه قراردادهای بین‌المللی مورد بحث در فرایند توسعه و تکامل مناطق مزبور خاصه منطقه آزاد تجاری قشم که محوریت آن با طرح‌های حوزه نفت و گاز و پتروشیمی است دست یافت.

خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات:

الف: خلاصه:

در پژوهش حاضر دو موضوع فرایند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی خاصه در حوزه نفت و گاز و سپس تاثیر فرایند مزبور بر نحوه توسعه مناطق آزاد تجاری و بطور خاص منطقه آزاد تجاری قشم به عنوان متغیرهای بحث مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در گفتار نخست پیشینه و تعریف مناطق مزبور در حقوق بین‌الملل، در گفتار دوم پیشینه و تعریف در نظام حقوقی ایران، در گفتار سوم رابطه و میزان تاثیر پذیری این مناطق آزاد تجاری ایرانی بطور خاص با قراردادهای بین‌المللی بررسی گردید و تاثیر و تاثر متقابل آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفت و مشخص گردید فرایند توسعه در مناطق آزاد تجاری خاصه در ایران رابطه‌ای تنگاتنگ با نظارت و کنترل و حمایت از اینگونه قراردادهای بین‌المللی توسط متولیان حاکمیتی این مناطق داشته و خواهد داشت. لذا راهکار تنظیم کننده نقش سازمان متولی منطقه آزاد در نظارت و کنترل طرح‌های اجرائی از مسیر حضور مستقیم یا غیرمستقیم در قراردادهای بین‌المللی منطقه آزاد خاصه در مبحث وظایف حاکمیتی آن‌ها در خصوص حمایت از طریق تلاش آن‌ها در فرایند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات اینگونه قراردادها امکان پذیر خواهد بود گرچه محدود به آن نیست اما در دو محور حمایت و نظارت از طریق قراردادهای مزبور و تلاش در جهت حل و فصل مشکلات و اختلافات در آن‌ها اصولاً، تعریف روشن تری از نقش بازیگران از جمله سازمان منطقه آزاد، سرمایه گذاری خارجی یا داخلی، طرح‌های سرمایه پذیر دولتی و شبه دولتی دسترسی خواهیم داشت. در ادامه پژوهش جهت تشریح انواع روش‌های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی ۵ شیوه مشهور در سطح بین‌المللی بطور خلاصه مطرح گردید و با توجه به اینکه روش‌های مزبور عموماً در حقوق بین‌الملل عمومی مطرح بوده و تکامل آن‌ها و همچنین نهادینه شدن آن‌ها در بستر حقوق بین‌الملل عمومی صورت پذیرفته به ابعاد تاریخی، اسنادی و نظری این روش‌ها در حقوق بین‌الملل پرداخته شد. با این توضیح که در خصوص قراردادهای بین‌المللی

مناطق آزاد که تحت قانون ملی (حقوق خصوصی) نیز منعقد می‌گردند نیز می‌توان از مبانی مشترک نظری، استدلالها و نحوه کاربرد نظریات موجود در حقوق بین‌الملل بهره‌گیری نمود.

در گفتار ششم مکانیزم چگونگی حضور و ایفاء نقش سازمان متولی منطقه آزاد در فرایند نظارت و حل و فصل اختلافات قراردادهای بین‌المللی مربوط به این مناطق تشریح گردید. بدین سان که لازم است جایگاه این سازمان در هر منطقه به عنوان مرجع عالی حل و فصل اختلافات دوستانه در قراردادها رسماً تعریف و تثبیت گردد و سپس در گفتار هفتم به آسیب‌شناسی فقدان حضور سازمان متولی در فرایند حل و فصل دوستانه اختلافات قراردادهای بین‌المللی مورد بحث و همچنین فواید حضور مستمر ایشان پرداخته شد. در گفتار هشتم، منطقه آزاد تجاری قشم به صورت نمونه مورد مطالعه قرار گرفت و با توجه به اهمیت و محوریت طرح‌های حوزه نفت و گاز در این منطقه و رابطه توسعه منطقه با طرح‌های مزبور و به تبع آن قراردادهای بین‌المللی حوزه مزبور نقش سازمان متولی در فرایند حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در این قراردادها بررسی و آسیب‌های فقدان نقش مزبور به صورت تاخیرات، تعلیق و عقب ماندگی طرح‌های حوزه نفت و گاز در این منطقه تاکنون همچنین فواید ایفاء نقش مزبور مورد واکاوی قرار گرفت.

ب: نتیجه گیری:

به عنوان نتیجه بحث مبرهن است که مناطق آزاد تجاری در ایران که اصولاً عالی‌ترین هدف از ایجاد آنها جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تعاملات تجاری، بازرگانی، صنعتی بین‌المللی است و توسعه آنها در گرو حمایت و نظارت و کنترل نحوه اجرای طرح‌های مستقر در این مناطق است به صورت گریزناپذیر لازم است تا در فرایند انعقاد، کنترل و اجرای قراردادهای بین‌المللی منطقه از طریق دخالت سازمان متولی در این قراردادها در جایگاه نظارتی و کنترلی حضور یابند بدون آنکه حضور آنها به دشواری و دخالت مستقیم و بازدارنده‌ای در اجرای اینگونه قراردادها بیانجامد و به نظر می‌رسد بهترین جایگاه جهت این حضور ایفاء نقش موثر آنها به عنوان مرجع اصلی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قراردادهای بین‌المللی (و همچنین داخلی) خواهد بود که لازم است در هرگونه قرارداد منعقد مرتبط با این مناطق و بطور موكد قراردادهای مهم بین‌المللی به صورت یک پروتکل تصریح گردیده و مورد موافقت طرفین قراردادها قرار گیرد به نحوی که در عین الزام طرفین به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات قراردادی با مرجعیت سازمان متولی منطقه آزاد تجاری، حق طرفین پس از طی مرحله مزبور در صورت عدم حصول توافق و نتیجه قطعی جهت استفاده از سازوکار انتخاب شده آنان جهت حل و فصل اختلافات به روش قضائی و یا شبه قضائی (داوری) محفوظ باشد.

ج: پیشنهاد:

پیشنهاد می‌گردد با استناد به روح قوانین و مقررات خاص راجع به مناطق آزاد تجاری ایران خاصه قانون تشکیل و چگونگی اداره مناطق آزاد مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی و دستورالعمل‌های اجرائی مربوطه که نقش سازمان‌های متولی ایجاد و اداره مناطق آزاد را در دو بخش ایجاد زیرساخت‌ها و سپس ایفاء نقش حاکمیتی (بی طرف) در حمایت، نظارت و کنترل تعاملات اقتصادی در این مناطق به رسمیت شناخته

شده است، سازمان متولی اصلی (سازمان مناطق آزاد تجاری) و شرکت‌های عمران این مناطق طرفین قراردادها خصوصاً قراردادهای بین‌المللی در این مناطق را مکلف سازند تا در ضمن آزادی جهت‌گزینش روش رسمی و الزامی حل و فصل اختلافات در قرارداد خود الزاماً سازمان منطقه آزاد یا شرکت عمران آن منطقه را طی پروتکل خاصی به عنوان مرجع اصلی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در قرارداد خود معرفی و تصریح نمایند تا از این طریق طرفین بدواً از حمایت‌های بی‌طرفانه تخصصی سازمان متولی که نماد حاکمیت نیز می‌باشد بهره‌مند گردیده و همچنین سازمان متولی منطقه آزاد نیز بستری جهت تأثیر گذاری مثبت در فرایند تحلیل اختلافات و پیشگیری از تاخیر، تعلیق و توقف پروژه‌ها و طرح‌های اجرائی در اختیار داشته باشد. بدیهی است این مهم به طور خاص در قراردادهای بین‌المللی حوزه نفت و گاز که ارتباط تنگاتنگی با ثروت‌های ملی و محدودیت‌های حاکمیتی نیز دارد از اهمیت صدچندان برخوردار خواهد بود.

منابع:

- ۱- جنیدی، لعیا. نظریه حقوق فراملی بازرگانی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
- ۲- حاذق‌پور، رضی، غلامی یزدی، حمیدرضا. جایگاه حقوق عرفی بازرگانی فراملی، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۹، دوره ۵، تابستان ۱۳۹۶.
- ۳- بیانیه بانک جهانی «منطقه آزاد تجاری» ۲۰ ژوئن، ۱۹۹۱.
- ۴- میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، تهران، تابستان ۱۳۹۴، نشر میزان.
- ۵- میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، تهران، تابستان ۱۳۹۴، نشر میزان.
- ۶- موسی‌زاده، رضا. کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۷- وفائی، منصور، علیپور، عادل. کتاب حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
- ۸- دیوان بین‌المللی دادگستری، مجموعه مدون آراء، سال ۱۹۶۳.
- ۹- میرعباسی، سید باقر. کتاب حقوق معاهدات، تهران، ۱۳۹۴، انتشارات میزان.
- ۱۰- مجموعه مقررات کمیسیون بین‌المللی تحقیق، کنفرانس دوم لاهه، ۱۹۰۷.
- ۱۱- مذاکرات کنوانسیون داوری لاهه، ۱۹۰۷.
- ۱۲- منشور ملل متحد، تفسیر مواد ۳۳، ۳۴.
- ۱۳- قطعه‌نامه مجمع عمومی ملل متحد، ۱۸ دسامبر ۱۹۶۷.
- ۱۴- سازمان ملل متحد، اعلامیه، ۱۹۸۸.

۱۵- سازمان مناطق آزاد تجاری، چشم‌انداز توسعه، ۱۳۹۵

۱۶- عطاشنه، منصور. مقاله حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریائی در سایه آموزه‌های اخلاقی، مجله پژوهش‌های اخلاقی، زمستان ۹۷، شماره ۳۴.

۱۷- عطاشنه، منصور. مقاله صنعت نفت و شیوه‌های تامین مالی در ایران، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴۵.